



گفت و گو

دربارهٔ محمدحسن قدیری ایبانه
گفت و گوی حاضر با محمدحسن قدیری ایبانه، متولد ۱۳۳۲، دارای مدرک دکترای معماری از دانشگاه فلورانس ایتالیا و نیز دکترای مدیریت استراتژیک از ایران است و مقالات متعددی در حوزه‌های معماری و شهرسازی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و بین‌الملل دارد. که بخشی از آنها در سایت اینترنتی او وجود دارد. وی با درجه معمار پایه یک هم‌اکنون عضو نظام مهندسی کشور است. مصاحبه‌ای که در ادامه درج می‌گردد گفت‌وگویی باری در خصوص نقش شوراها در تقویت مدیریت شهری و جایگاه آن در مدیریت شهری است.

□ لطفاً بفرمایید نظر شما در مورد نقش شوراهای اسلامی

در توسعه پایدار شهری و کشور چیست؟

■ ابتدا باید بگویم که مفهوم توسعه پایدار به حفظ محیط‌زیست و به ویژه فضای سبز برمی‌گردد؛ به طور مثال می‌توان از چوب‌های یک جنگل استفاده کرد و به توسعه رسید، اما هنگامی گفته می‌شود "توسعه پایدار" که این برداشت از چوب جنگل به ناپودی آن ختم نشود، بلکه به نحوی عمل شود که به جای درختان کنده شده به همان اندازه و یا بیشتر درخت بروید و همیشه بتوان از چوب‌های این جنگل استفاده کرد. بنابراین، فرق توسعه پایدار و توسعه به طور معمول این است که در توسعه پایدار حفظ محیط‌زیست و تداوم توسعه مورد نظر قرار می‌گیرد. طبیعتاً در هر شهر و مدیریتی می‌بایست توسعه پایدار ملاک باشد. به طور مثال، اقتصاد متکی به نفت (توسعه متکی به نفت) نمی‌تواند توسعه‌ای پایدار قلمداد شود، چرا که نفت از جمله موادی است که جایگزین ندارد، یا برای ساخت (و شکل‌گیری) مجدد آن به شرایط ویژه و گذشت میلیون‌ها سال نیاز است. لذا شهرداری‌ها و هر کس و در هر جایی که هست و هر عملی که انجام می‌دهد، باید عملش (هر چند جزئی) در چارچوب امر کلی تری باشد که همانا توسعه پایدار است. مدیریت شهر و روستا هم باید براساس همین ارزیابی شود. می‌توان فضای سبز یک منطقه را از بین برد و آنجا خانه‌سازی کرد. این کار چه بسا مشکل مسکن را در کوتاه مدت برطرف می‌سازد، اما اگر فضای سبز در نظر گرفته نشود، توسعه پایدار نادیده گرفته شده است و معضلات آن در آینده‌ای نه چندان دور رخ خواهد نمود.

□ پرسش ما مشخصاً در مورد جایگاه شورای اسلامی شهری

در توسعه پایدار است. شوراها در شهر چگونه می‌توانند توسعه پایدار را به وجود آورند و آن را تقویت کنند؟

■ رعایت امر توسعه پایدار بر همگان - از فرد و جمع - ضروری است و طبیعتاً شورای شهر و روستا با توجه به مسئولیت‌ها و اختیاراتی که دارند باید در همهٔ امور، وظایف و تصمیمات‌شان توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته باشند.

□ فلسفه وجودی شورای شهر این است که مدیریت واحدی

را در شهر به وجود آورد. به نظر شما تمرکز دایی از نهادها به وسیله شورای شهر در ابتدا چگونه باید باشد؟

■ منظورتان چه نهادهایی است؟

□ منظور نهاد های متمرکز حکومتی است. و دیگر اینکه، در

هشت سال گذشته ما چقدر توانستیم از طریق شوراها این تمرکز دایی را انجام دهیم؟

■ البته شوراها نمی‌توانند در مورد تمرکز دایی از مسئولیت‌های دستگاه‌های دولتی تصمیم بگیرند، چرا که تصمیم در خصوص دستگاه‌های دولتی (و شرح وظایف آنها) از اختیارات شورای شهر و

روستا نیست و در حیطه قوانین کلی کشور (و تصمیمات کلان کشور) است. همان طور که تصمیم گرفته شد بخشی از اداره امور شهر به شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستا سپرده شود. در کشورهای مختلف، آنهایی که شورای شهری داشته‌اند، به تناسب و با توجه به ویژگی‌های کشورشان اقدام به واگذاری امور کردند. به طور مثال در برخی از کشورها اداره موزه‌ها بر عهده شهرداری‌هاست، اما در کشور ما چنین نیست و یا در بخشی از کشورها به مناطق، اختیارات ویژه‌ای در زمینه‌های آموزشی داده شده است. هر چه شوراهای شهر از خودشان ظرفیت بیشتری در اداره امور نشان دهند، زمینه برای واگذاری مسئولیت‌های بیشتر به آنها فراهم می‌شود.

□ یعنی این امر بستگی به شورا و افراد و مدیریت و خلاقیت

آنها دارد؟

■ البته اگر قانونی در این خصوص به تصویب برسد، همه را شامل می‌شود و فقط شامل شوراهایی که صلاحیت‌شان به اثبات برسد، نخواهد بود.

□ پس شوراها باید به این سمت حرکت کنند؟

■ در مجموع باید احساس شود که شوراهای شهر و روستا می‌توانند مسئولیت‌های بیشتری را بردوش بگیرند.

□ به نظر شما در طول هشت سال مدیریت شورایی، شوراها

تا چه اندازه به این وضعیت نزدیک شدند و چه کاستی‌هایی داشتند؟

■ شوراها در مناطق مختلف، عملکردهای متفاوتی داشته‌اند - چه مثبت و چه منفی - اعم از اینکه کسانی که دارای مسئولیت بودند، نیت خدمت و قصد خیر داشته‌اند و یا در پی سوء استفاده بوده‌اند. در برخی از شوراهای شهر و روستا مشاهده می‌شود که با توجه به مجوزهایی که می‌تواند به وسیله شورا داده شود، سوء استفاده‌ها و فسادهایی به وجود آمده است؛ هر چند این به همه قابل تعمیم نیست. افراد بسیاری هم هستند که به قصد خیر و خدمت نامزد شوراها می‌شوند، اما به هر حال، مشاهده شده که در برخی از مناطق کسانی که وارد شورا می‌شود وقتی از آن بیرون می‌آیند، ثروت‌شان چند برابر شده است. بنابراین، من معتقدم یکی از ضوابطی که برای شورای شهر و روستا، مقامات شهرداری‌ها و بسیاری از مسئولان شهرداری‌ها و همچنین سایر مسئولیت‌های مملکت باید تعیین شود، این است که ثروت‌شان قبل و بعد از مسئولیت سنجیده شود. ضابطه‌ای که برای رئیس جمهور و مقامات عالی کشور در این زمینه وجود دارد این است که باید ثروت‌شان را ابتدا و انتهای دوره فعالیت‌شان اعلام کنند. به نظر من باید چنین چیزی در سطح شوراهای شهر و روستا نیز اتفاق بیفتد؛ نه تنها برای اعضای شورا بلکه برای شهرداران و سایر مسئولانی که می‌توانند در معرض فساد قرار بگیرند. حتی برخی از



کسانی که مسئول نظارت در ساخت و ساز هستند و ظاهراً مدیریتی هم بر عهده ندارند، از آنجا که در معرض فساد هستند باید شامل این ارزیابی شوند؛ مثل کسانی که ممکن است مسئول سرکشی به ساختمان‌ها و یا محله‌ها باشند و ببیند مثلاً ساختمان غیرمجازی ساخته نمی‌شود. چون غالباً مشاهده می‌شود که افراد با گرفتن رشوه از دادن گزارش به شهرداری اجتناب می‌کنند. سنجش ثروت اینها قبل و بعد از دوره فعالیت می‌تواند کمک کند به دریافت اینکه آیا در این زمینه فساد بوده است یا خیر. البته افزایش ثروت به تنهایی دلیل بر وجود فساد نیست، ولی دست کم انجام بررسی‌هایی را در این زمینه ضروری می‌کند.

□ باز برمی‌گردیم به موضوع تمرکززدایی به دست شوراهای گذشته (یعنی هشت سال که تجربه شوراهای گذشته را داشته‌ایم). شما فرمودید که شوراهای نمی‌توانند در این کار نقشی داشته باشند. با این حال، به نظر شما چقدر به این کار نزدیک شدند؟ چون از نظر مردم یکی از وظایف شوراهای همین تمرکززدایی است و پاسخ به این سؤال می‌تواند راهگشایی برای اقدامات آینده باشد.

■ البته شوراهای می‌توانند راجع به تصمیمات و اختیارات خودشان اقدام به تمرکززدایی کنند. مثلاً فرض کنید که شهرداری مرکز، بخشی از وظایفش را به شهرداری مناطق واگذار کند. با رویکرد

البتة شوراهای شهر و روستا و همچنین شهرداری‌ها و دهرداری‌ها، بخشی از بار مسئولیت فراهم کردن زمینه بهتر زندگی را بر دوش دارند و بخشی از آن به عهده خود مردم است

تمرکززدایی مشاهده می‌شود که این تصمیم جزء اختیارات شورا است. اما اینکه شورا تصمیم بگیرد که مثلاً اختیار میراث فرهنگی در محل و قدرت تصمیم‌گیری آن را به خودش اختصاص دهد، چنین امکانی وجود ندارد. شوراهای می‌توانند متقاضی باشند، اما تصمیم‌گیری می‌بایست در مجلس و دولت صورت گیرد.

□ پس در زمان حاضر شوراهای ما نقش تمرکززدایی به معنای خاص کلمه را نمی‌توانند داشته باشند، چون در قانون تعریف نشده است.

■ شوراهای خودشان نتیجه یک نوع تمرکززدایی هستند. اختیارات فعلی شوراهای زمانی بر عهده وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها بود؛ از جمله تعیین شهردار، نظارت و عزل او که به شوراهای شهر واگذار شده است.

□ پس ایجاد شوراهای ادامه سیاست تمرکززدایی بود؟

■ بله، تشکیل شوراهای نتیجه سیاست تمرکززدایی است، اما این تمرکززدایی می‌تواند گسترش پیدا کند.

□ با توجه به اینکه فلسفه وجودی شورای شهر این است که بتواند شهر را برای زندگی مطلوب شهروندان آماده کند، جایگاه شورای شهر را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما تا چه حد

اهمیت دارد که شورای شهر به این کار بپردازد؟

□ البته شوراهای شهر و روستا و همچنین شهرداری‌ها و دهرداری‌ها، بخشی از بار مسئولیت فراهم کردن زمینه بهتر زندگی را بر دوش دارند و بخشی از آن به عهده خود مردم است. در شهر تهران تابلوهایی نصب شده که بر آن نوشته شده است: "شهروند مسئول، شهرداری پاسخگو" یعنی اگر در شهری، شهروندان احساس مسئولیت نکنند، هر چند مدیریت شهری خیلی خوب باشد، شهر با نقص بزرگی مواجه است. اما اگر شهروند و شهرداری هر دو خوب عمل کنند و هر دو به مسئولیت‌هایشان به درستی بپردازند، سرعت بهبود خیلی بیشتر می‌شود. البته در اینجا شورای شهر و روستا نمی‌توانند منتظر بهبود عملکرد مردم شوند، بلکه باید هم خودشان شهرداری‌ها و مدیریت‌هایی را که بر عهده‌شان است درست اداره کنند و هم در زمینه ترویج فرهنگ زندگی جمعی نقش آفرینی کنند و برنامه‌ریزی داشته باشند. بنابراین، شورای شهر و روستا باید برای زندگی بهتر مردم و فراهم شدن بسترهای لازم در شهر برنامه‌ریزی خودشان را داشته باشند. البته شرایط زندگی بهتر ابعاد مختلفی دارد که قابل ذکر و بررسی است. به طور مثال، امنیت در شهر ابعاد مختلفی دارد. اگر امنیت به طور کلی در نظر گرفته شود، همه امنیت به عهده شورای شهر نیست، بلکه بخشی از آن بر عهده نیروی انتظامی، بخشی بر عهده نیروهای دفاعی کشور در مقابل بیگانگان، و بخشی از آن هم بر عهده بسیج و سپاه است؛ اما شهرداری هم وظایفی دارد.

□ بخشی از تعهدات شهرداری، در مورد حقوق مردم است؟

■ وقتی ساختمانی ساخته و گچ کاری و رنگ می‌شود، دیگر معلوم نیست که استحکام آن بنا چقدر است و کسی که می‌خواهد آن خانه را بخرد نمی‌تواند از استحکام آن مطلع شود. بنابراین، شهرداری‌ها باید در طول ساخت بر همه امور نظارت کنند تا این ساختمان‌ها بیشترین استحکام را داشته باشند. یا مثلاً فرض کنید نقشی که شهرداری‌ها در ساخت جاده‌ها و اتوبان‌ها دارند، موجب افزایش امنیت رفت و آمد می‌شود (چه برای سواره‌ها و چه برای پیاده‌ها). این هم بخشی از فراهم کردن بستر زندگی سالم‌تر است. امکانات ورزشی که شهرداری می‌تواند فراهم کند (چه خودش ایجاد کند و چه تسهیلات بخش خصوصی را به فعالیت در این زمینه ترغیب کند).

□ در هشت سال گذشته مدیریت شورایی، نقش و مشارکت

زنان در شهر و روستا چقدر بوده و چقدر می‌تواند باشد؟ آیا جایگاه فعلی، در خور زنان جمهوری اسلامی هست و می‌تواند نیازها را برآورده کند؟

■ من فکر می‌کنم نباید به شوراهای به عنوان شورای زنان یا مردانه یا از نگاه زن و مرد پرداخت، بلکه در هر مسندی باید شایسته‌ترین‌ها بنشینند. کسانی که می‌توانند بهتر تصمیم بگیرند و کسانی که می‌توانند بهتر نظارت کنند، قوانین مناسب‌تری وضع خواهند کرد. اگر این بهترین‌ها مرد هستند، باید از مردان انتخاب شوند و اگر زن هستند، باید از میان زنان برگزیده شوند. به هر حال در حیطه فعالیت شوراهای مزیت در زن و یا مرد بودن نیست، اما این نکته در خور توجه است که زنان به دلیل آشنایی بیشتر با وضعیت زنان می‌توانند نقش ویژه‌ای در جامعه ایفا کنند؛ به ویژه اینکه دست کم نیمی از جمعیت هر منطقه به طور طبیعی از زنان تشکیل شده است و آنها راحت‌تر



می‌توانند با این قشر از جامعه ارتباط برقرار کنند. بنابراین حضور زنان در شوراهای شهر، نامزدی آنها در شورای شهر، پیروزی و حضورشان در شورای شهر می‌تواند مفید باشد، به شرطی که این انتخاب بر اساس شایستگی‌ها انجام شده باشد. منظور از شایستگی در اینجا توانایی‌های فردی است. متأسفانه در بعضی مناطق مشاهده می‌شود که برخی افراد به ظاهر خودشان، برای رأی آوردن اتکا می‌کنند و این نوعی فساد است؛ هم نزد نامزدها و هم نزد کسانی که به این دلیل به آنها رأی بدهند. این مسئله در غرب بسیار رایج است، اما برای جامعه اسلامی ما ضد ارزش قلمداد می‌شود که کسی بخواهد برای ظاهر خودش و با اتکا به آن رأی عموم را جلب کند.

از جمله وظایف مهم شوراهای این است که در طراحی نقشه جامع شهر و روستا تعیین کند که کدام بخش به تولید اختصاص یابد و تولید در آنجا چگونه باشد

□ در هشت سال گذشته چقدر مشارکت زنان وجود داشته است؟

■ مشارکت زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره رو به افزایش بوده است و زنان توانسته‌اند با توجه به شرایطی که در جامعه وجود دارد بسیاری از سنگرها را به دست بیاورند. نمونه آن دانشگاه‌های کشور است که نسبت خانم‌ها به آقایان بسیار افزایش پیدا کرده است. زمانی در بحث تساوی حقوق زن و مرد پیشنهادهایی مطرح می‌شد که نیمی از ظرفیت دانشگاه‌ها به خانم‌ها اختصاص پیدا بکند تا عدالت برقرار شود. اگر از این منظر به عدالت بنگریم، امروز شرایطی هستیم که باید گفته شود نصف ظرفیت دانشگاه‌ها به آقایان اختصاص پیدا کند که حق آقایان رعایت شود.

□ این همان موضوع شایسته‌سالاری است. خانم‌ها به علم پرداختند و سهم خود را از دانشگاه برداشتند.

■ بله در کنکور اینکه خانم‌ها یا آقایان امتحان می‌دهند مطرح نبوده است، آنجا ملاک را نمره گذاشتند. البته باید در نظر داشت که اگر آقایان قبول نشوند باید دوره سربازی را طی کنند و این دوره باعث می‌شود که بین آموخته‌هایشان فاصله بیفتد و فراموشی حاصل شود و امتحان و رقابت مجدد برای‌شان سخت باشد. در حالی که برای خانم‌ها سربازی اجباری نیست، لذا اگر در دانشگاه قبول نشوند سال‌های بعد هم برای تکمیل آموخته‌هایشان فرصت دارند. با این حال، حتی بین دخترها و پسرهایی که برای بار اول در کنکور شرکت می‌کنند، نسبت خانم‌ها بیشتر است. شاید یک دلیل این باشد که آقایان امکانات تفریحی زیادی دارند و برای خانم‌ها محدودیت‌هایی وجود دارد. البته خانم‌ها به برخی از این محدودیت‌ها راضی هستند و این به ویژگی‌های زنانه آنها برمی‌گردد و لذا بیشتر به مطالعه و تحصیل می‌پردازند. امروزه یکی از معضلات اجتماعی که تا حدودی با آن مواجه هستیم و در آینده هم تشدید خواهد شد، این است که عمده خانم‌های تحصیلکرده هنگام ازدواج ناچارند با مردانی ازدواج کنند که سوادشان از خودشان پایین‌تر است. به هر حال این موضوع

باعث خواهد شد که در آینده نقش زنان در شوراهای شهر و روستا پررنگ‌تر خواهد شد و بعید نیست که در آینده نسبت حضور خانم‌ها به آقایان برعکس شود. و بالطبع وقتی اکثریت اعضا با خانم‌ها باشد، ممکن است که شهرداران و معاونان آنها هم از خانم‌ها انتخاب شوند.

□ به نظر شما این امکان قریب‌الوقوع است؟

■ در آینده نه چندان دور ممکن است اتفاق بیفتد. البته آنجا هم باید ملاک شایسته‌سالاری باشد، نه زن بودن و مرد بودن، اما هیچ دلیلی ندارد که یک زن نتواند شهردار موفقی باشد. یک نکته مهم دیگر این که در موضوعات مفاسد اداری و مالی، خانم‌ها نسبتاً از آقایان سلامت‌تر عمل می‌کنند.

□ نقش شوراهای توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور چقدر است و چقدر می‌تواند باشد؟

■ اینجا هم باید بگویم که خود وجود شورا نتیجه توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. ضمن اینکه معلول است، خودش هم می‌تواند علت باشد. خود انتخابات شوراهای شهر و روستا در توسعه فرهنگی اثرگذار است. اینکه افراد مختلفی برای این سمت نامزد می‌شوند و رقابت می‌کنند و برای اینکه رقابت کنند باید در مورد وضعیت شهر و منطقه‌شان بررسی کنند، افکار عمومی را بسنجند، نیازها را شناسایی کنند، اینها همه خود به شناخت بهتر امور کمک می‌کند. ضمن اینکه حضور افراد در انتخابات و در شوراهای تجربه‌ای آموزنده است که ظرفیت پذیرش مسئولیت‌های بالاتر را در آنها ایجاد می‌کند. اقداماتی که در سطح کشور انجام می‌شود - از قبیل انتخاب شهرداران مدارس، مجالس دانش‌آموزی و مانند اینها - به نظر من اقدامات ارزنده‌ای است که سبب می‌شود ظرفیت مسئولیت‌پذیری افراد شورا در آینده (این شورا یا انواع شوراهای) افزایش پیدا کند.

□ به نظر شما اهمیت شوراهای توسعه اقتصادی چقدر است و چقدر می‌تواند باشد؟ شوراهای تا چه حد می‌توانند اقتصاد شهری را گسترش دهند و در نهایت رفاه مردم در شهر را بالا ببرند؟

■ یکی از نکات بسیار مهم این است که انسان به اقتصاد و به تولید زنده است. اگر تولید نباشد، زندگی غیرممکن می‌شود. ما نیازهایی در زندگی مان داریم - مثل آب آشامیدنی، تغذیه، بهداشت و درمان - که بخشی از آن به عهده شوراهاست و بخشی نیست. بنابراین، نمی‌توان اقتصاد را نادیده گرفت. ما باید به سمتی حرکت کنیم که تولید در کشور، در منطقه و در شهرمان با روال سالم امکان‌پذیر بوده و جریان داشته باشد. تولید، چه تولید کالا و چه تولید خدمات، باید به گونه‌ای باشد که شهروندان بتوانند با اشتغال در این زمینه‌های سالم، زندگی‌شان را اداره کنند و درآمد مناسبی را به دست آورند. بخشی از این درآمد نیز می‌بایست به بودجه شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستا برای اداره شهر و روستا تبدیل شود.

از جمله وظایف مهم شوراهای این است که در طراحی نقشه جامع شهر و روستا تعیین کند که کدام بخش به تولید اختصاص یابد و تولید در آنجا چگونه باشد. مراکز تولیدی، تجاری، اداری، مسکونی، بهداشتی درمانی، آموزشی و همه اینها باید مشخص شود. عملکرد شوراهای در کمک به ایجاد تولید و اقتصاد سالم می‌تواند مؤثر باشد.



مثلاً در مناطق معدنی با اینکه استخراج معدن به نفع کشور است، اما اهالی شهر یا روستا و در نتیجه اعضای شورای شهر و روستا فشار زیادی برای تعطیل کردن این مراکز تولید وارد می کنند، چرا که معدن ممکن است آلودگی هایی داشته باشد. اما با تعطیل کردن چنین منابعی، کسانی که آنجا کار می کنند و ثروتی که از این طریق تولید می شود چگونه خواهد بود؟

□ این یعنی خلاف حوزه شورا عمل کردن؟

■ این یعنی فشار افکار عمومی. زمانی که در جایی معدن استخراج می شود و احیاناً رفت و آمد کامیون ها در آنجا صورت می گیرد، نزد افکار عمومی می تواند نوعی مزاحمت تلقی شود. اما نباید جلوی این تولیدات را گرفت، چرا که رشد شهر به این تولیدات بستگی دارد. تصور کنید کسانی که در این معدن کار می کنند، بیکار شوند و منبع درآمدی نداشته باشند و ثروتی که در این معادن نهفته است استخراج نشود، در نتیجه اقتصاد کشور بیشتر به نفت متکی می شود که این منبع پایان پذیر و ناپایدار است و تجدیدپذیر نیست. بنابراین، یکی از معضلات شورای شهر و روستا این است که به خطا ممکن است مانعی برای تولید و توسعه اقتصادی کشور باشد. ضمن اینکه معمولاً اگر کسی سرمایه ای را - به ویژه در روستاها و شهرستان ها - به کار بگیرد نوعی حسادت در اهالی نسبت به او مشاهده می شود که در شهرهای بزرگ تر مشهود نیست. این عامل باعث می شود سرمایه گذارانی که متعلق به یک منطقه هستند، ترجیح دهند سرمایه شان را به شهرهای بزرگ تر انتقال دهند. این قبیل حسادت ها ممکن است در ادامه به کارشکنی تبدیل شود. باید مردم را متوجه کرد که اگر کسی سرمایه اش را به تولید و رونق اقتصادی منطقه ای اختصاص دهد، دست به کار ارزشمندی زده است، در حالی که می توانست ثروتش را مثلاً در قاچاق یا کارهای خلاف و کم ارزش به کار اندازد. متأسفانه در کشور ما سرمایه گذاری در تولید به نوعی عمل طاغوتی و سرمایه گذار، طاغوتی قلمداد می شود و این نگاه یکی از موانع تولید است. من معتقدم که این نگاه به نوعی یکی از موانع توسعه شهری ماست و در تدوین قوانین و ضوابط مالی هم مؤثر بوده است. به طور مثال، تهران کلانشهری است که نیاز به بودجه های کلان دارد و مردم عادت نکرده اند هزینه های شهر را تأمین کنند. شهرداری هم اگر بخواهد هزینه های شهر را از شهروندان بگیرد با مقاومت روبه رو می شود و محبوبیتش را از دست می دهد. لذا برای اینکه هم فشاری بر مردم نیاید و هم بودجه مورد نیاز تأمین شود، فشار به بخش نوسازی وارد شده و از کسانی که می خواهند ساختمان بسازند عوارض بالایی دریافت می شود. یعنی بار شهر را بخش نوسازی بر دوش می کشد. این امر یکی از دلایل گرانی مسکن و کلاً بنا در تهران و همه شهرهاست. من معتقدم که باید برعکس عمل شود. باید برای کسانی که می خواهند ساختمان های جدیدی بسازند تخفیف در نظر گرفت، نه اینکه بار شهر را بر دوش آنها گذاشت، مثلاً باید به جای اینکه عوارض بیشتری بدهند، خانه ای که تازه ساخته می شود برای چند سال از عوارض معاف باشد. این عمل موجب رونق ساخت و ساز می شود و رونق ساخت و ساز تعداد مسکن و بنا را در سطح شهر بیشتر می کند و عرضه را افزایش می دهد و افزایش عرضه موجب کاهش قیمت می شود. در حالی که اینجا عکس آن عمل می شود. یا مثلاً شهرداری برای حل مسئله ترافیک موضوع پارکینگ منازل را مطرح می کند و

بعد برای اینکه درآمدش تأمین بشود اجازه می دهد که به شرط پرداخت دو سه میلیون تومان به شهرداری، خانه و آپارتمان از ساختن پارکینگ معاف بشوند. این اتفاق در شهر تهران زیاد افتاده است. در نتیجه اگر قرار باشد خانه ای پارکینگ نداشته باشد، باید برای هر آپارتمان دو سه میلیون تومان هزینه شود. پس تمام خانه هایی که الآن پارکینگ ندارند، دو سه میلیون تومان به قیمت شان اضافه می شود. چنین مدیریتی نمی تواند مدیریت موفقی باشد، ولی اگر هم شهرداری تصمیم بگیرد که هزینه های شهر را از شهروندان تأمین کند، ممکن است با مخالفت شدید مردم روبه رو شود، چون مردم باور ندارند که خود باید شهرشان را اداره کنند. این عادت شکل گرفته است که هزینه های شهر یا از درآمدهای نفتی تأمین شود و یا بخش نوسازی هزینه های آن را بر دوش بکشد. همین گرفتن عوارض سنگین از بخش نوسازی به این معنی است که خانه های موجود اگر قرار بود امروز ساخته شوند، باید چنین عوارضی را پرداخت می کردند. پس عوارضی که شهرداری یا هر دستگاه دیگری از بخش نوسازی می گیرد، عیناً به قیمت همه خانه هایی که قبلاً ساخته شده اند اضافه می شود. لذا من بر این باور هستم که باید هزینه های شهر را با معیارهایی سنجید و آن را به صورت عادلانه تقسیم کرد. یکی از ملاک های آن مثلاً میزان زیربنا است. من اخیراً شنیدم که شهرداری درصدد دریافت عوارض از ماشین ها براساس کارکرد کیلومتر آنها است. این کار به نظر به عدالت نزدیک است، چون نباید هزینه استهلاک خیابان ها را از همه مردم گرفت، بلکه کسانی که این استهلاک را ایجاد می کنند - یعنی صاحبان خودرو - باید آن را بپردازند.

**در آینده نقش زنان در شوراهای شهر
و روستا پررنگ تر خواهد شد و بعید
نیست که در آینده نسبت حضور
خانم ها به آقایان برعکس شود. و
بالتبع وقتی اکثریت اعضا با خانم ها
باشد، شهرداران و معاونان آنها هم از
خانم ها انتخاب می شوند**

□ پس در جمع بندی درمی یابیم که شوراها باید طوری حرکت کنند که بعضی از قوانین داخلی شهر یا تصمیم گیری هایی که منجر شده اند نظم توسعه اقتصادی در شهر به هم بخورد باز نگری و احیاناً بعضی حذف شوند و یا اینکه قوانین جدیدی تدوین گردد.

■ مقدمه چنین است که نگاه شان را اصلاح کنند. شوراها باید دید شان را به تولید، سرمایه، سرمایه گذاری و اقتصاد شهر تغییر دهند. متأسفانه بسیاری از کسانی که به عنوان عضو شورای شهر یا روستا وارد می شوند ذهنیت غلطی دارند و فکر می کنند که از منابع بودجه دولت باید شهر را اداره کنند. آنها باور ندارند که مردم باید هزینه شهر را خودشان متقبل شوند. چون این باور وجود ندارد، به جای آنکه حلال مسائل شوند، خودشان به بخشی از مشکل تبدیل می شوند.

□ یعنی ما امروز با توسعه اقتصادی مطلوب فاصله داریم؟



■ ما با نگاه درست فاصله داریم. وقتی نگاه درست نباشد، مسیر هم اشتباه پیموده می‌شود.

□ دو شورای گذشته چقدر در این زمینه حرکت کردند؟

■ من فکر می‌کنم که در هر دو شورا طلب بودجه از دولت بالا بوده است. حتی در وعده‌های انتخاباتی، برخی از نامزدها، حتی کسانی که مسئولیت اجرای بالایی داشتند، برای دریافت بودجه بیشتر از دولت به منظور اداره شهرداری‌ها و اداره شهر تأکید می‌کردند. البته این اعلام موضع‌ها رأی آور است، اما من تصور می‌کنم که باید شهر را با هزینه شهروندان اداره کرد نه با اتکا به درآمدهای نفتی. این دیدگاه را معمولاً مردم نمی‌پسندند. مردم هر کسی را که از آنها بودجه‌ای طلب کند - برای هر کار سازنده‌ای - نفی می‌کنند.

ما از نظر فرهنگی عادت نکردیم و باور نداریم که هزینه‌های حکومت و مدیریت را تأمین کنیم. بلکه تصور این است که دولت و حکومت و مدیریت باید هزینه‌های مردم را تأمین کنند

□ به نظر شما هشت سال گذشته شوراها تا چه حد توانسته‌اند تحولی در خصوص مدیریت شهری ایجاد کنند؟

■ من شورای اول را به دلیل جنجال‌های سیاسی‌ای که به دور از وظایف اصلی‌شان بود و تلاش‌شان برای پلکان قرار دادن مدیریت شهری برای کارهای دیگر، کلاً منفی ارزیابی می‌کنم؛ گرچه به معنی نمره صفر نیست و نمی‌توانیم کارهای مفیدی را که انجام شده است، نادیده بگیریم. از تلاش شورای دوم در تهران ارزیابی بهتری دارم، اگرچه انتقاداتی هم به آن وارد است که نمونه‌های آن را مطرح کردم که امتداد نگاه‌های قبلی است. یکی از مشکلاتی که ما امروز به آن دچاریم، همین سیاست‌هایی است که خواست مردم است و اگر قرار باشد تغییر کند مردم در مقابل آن مقاومت نشان می‌دهند. فرض کنید اگر عوارض سالانه از ۲ هزار تومان برای یک خانه تبدیل شود به ماهی ۲ هزار تومان عده‌ای آشفته می‌شوند که بیش از ده برابر افزایش یافته است. در حالی که برای یک آپارتمان ماهی ۲ هزار تومان عوارض شهری رقمی نیست و با آن نمی‌توان شهر را اداره کرد، اما ۲ هزار تومان در سال وقتی تبدیل می‌شود به ۲ هزار تومان در ماه - که آن هم خیلی ناچیز است - خیلی‌ها معترض می‌شوند. هر چند برای آنها پرداخت این وجه بسیار آسان است و منفعتی که آنان از توسعه شهری می‌برند، خیلی بیشتر از اینهاست. ولی کلاً ما از نظر فرهنگی عادت نکردیم و باور نداریم که هزینه‌های حکومت و مدیریت را تأمین کنیم. بلکه تصور این است که دولت و حکومت و مدیریت باید هزینه‌های مردم را تأمین کنند. تفاوت نگاه جاری در کشور ما با دیدگاه سایر ملت‌ها این است که ملت‌های دیگر می‌دانند باید هزینه‌های مدیریت و حقوق مدیریت را تأمین کنند ولی ما فکر می‌کنیم که مدیریت‌ها باید حقوق و زندگی ما را تأمین کنند، و این یکی از موانع بزرگ توسعه و مدیریت صحیح در کشور ماست. اگر مردم به این ذهنیت گرفتار باشند، فاجعه است و اگر خود مدیران هم چنین برداشت غلطی داشته باشند، فاجعه بیشتر خواهد بود. متأسفانه مدیران میانی ما اغلب این تصور را دارند و معمولاً مسئولان عالی‌رتبه

منابع:

www.ghadiri.org

را مسئول ناکارآمدی‌ها معرفی می‌کنند. در حالی که معمولاً باید مقامات پایین خودشان حلال مشکلات باشند.

□ یعنی شوراها آن ظرفیت خودشان را یا نشان‌نشدند و یا نمی‌توانند از آن استفاده کنند و به این دلیل چنین اتفاقی افتاده است؟

■ بله. ضمن اینکه چنین دیدگاهی نسبت به دولت وجود دارد و گاهی نسبت به شهرداری‌ها نیز همین طور است؛ یعنی ممکن است مدیریتی در شهرداری موفق باشد اما از نظر مردم ناکارآمد جلوه کند. ما معمولاً در ارزیابی مدیریت‌ها امکانات آنان را کمتر در نظر می‌گیریم و فقط توقعات خودمان را ملاک قرار می‌دهیم. این امر گاهی موجب بی‌ثباتی مدیریت‌ها در شهرداری‌ها می‌شود.

□ آقای دکتر با توجه به اینکه سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، همان سند چشم‌انداز بیست‌ساله تنظیم شده است، رابطه بین شوراها و تحقق این سند چگونه می‌تواند باشد؟ شوراها چگونه می‌توانند در این مسیر حرکت کنند تا اهداف سند چشم‌انداز در کشور ما محقق شود؟

■ چشم‌انداز امری نیست که فقط بر دوش دولت یا بر دوش مدیریت‌ها باشد، بلکه هر فرد ایرانی باید تلاش خود را برای تحقق این چشم‌انداز بکند. مملکت قطاری نیست که دولت و حکومت لکوموتیو آن باشد و مردم مسافر آن، بلکه همانند کشتی پارویی است که همه باید پاروزن باشند. من تحقق سند چشم‌انداز را وظیفه هر شهروند ایرانی می‌دانم. هر کس به نوبه خود باید تلاش کند ما این امر را به نوعی در مسئله دفاع از کشور مشاهده کردیم. مردم دفاع را امری تلقی نکردند که فقط بر عهده ارتش است و نیروهای نظامی با عناوین مختلف در آن مشارکت کردند. یکی از مظاهر مشارکت، حضور بسیج در جبهه‌هاست و بسیج شدن مردم برای حضور. آنهایی که به هر دلیلی نمی‌توانستند حضور پیدا کنند - از جمله خانم‌ها - پشتیبانی از جبهه را بر عهده گرفتند. آن احساس مشارکت، احساس وظیفه، احساس مسئولیت که حتی گاه در دعا برای پیروزی رزمندگان تجلی پیدا می‌کرد، باید در تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم در تک تک ما ایجاد شود. اگر این احساس ایجاد شود، خیلی بیش از چشم‌انداز را می‌توانیم تحقق ببخشیم. مقام معظم رهبری تأکید کردند که اگر ما برای برنامه‌ای بیست‌ساله سند چشم‌انداز را پیش‌بینی کردیم باید در ظرف ۵۰ سال از همه کشورها پیشی بگیریم. من هم اعتقاد دارم که اگر با روحیه‌ای که عرض کردم ادامه بدهیم، می‌توانیم در پنجاه سال آینده پیش‌تاز همه ملت‌ها و همه کشورها باشیم. در مورد مجموعه‌های دولتی، حکومتی، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا، تشکل‌های دولتی، احزاب، گروه‌ها، انجمن‌های صنفی و محلی نیز همین روحیه باید وجود داشته باشد. طبیعتاً شوراها هم شهر و روستا باید حرکت‌شان را در چارچوب این چشم‌انداز دنبال کنند و صاحب نقش هستند. یونسکو جمله‌فشنگی را به عنوان شعر سال مطرح کرده بود "جهانی بیندیشیم، محلی عملی کنیم". ما باید آن چشم‌انداز را در نظر گرفته و در محل خودمان در حوزه مسئولیت خودمان باری را که می‌توانیم، بر دوش بگیریم و برای رسیدن به آن چشم‌انداز، به سرمنزل مقصود برسانیم و پیشرفت را در هر سطحی که بر عهده ماست دنبال کنیم.

